

# تأثیر توبه در سقوط مجازات از دیدگاه فقهی حقوقی

نویسنده:

راحله قویدل کورکا

www.ketab.ir

انتشارات رویش بهاری

(rooyeshebahari)

سرشناسه	: قويدل كوركا، راحله، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پديدآور	: تاثير توبه در سقوط مجازات از ديدگاه فقهی حقوقی / نوينده راحله قويدل كوركا.
مشخصات نشر	: كرج: رویش بهاری، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهري	: ۱۱۷ ص.
شابک	: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۹۱۸۱۴ - ۵ - ۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: توبه (اسلام). Repentance -- Islam
موضوع	: جنبه‌های حقوقی
موضوع	: Repentance -- Islam -- Legal aspects
موضوع	: حقوق جزا (فقه) -- ایران. Crime law (Islamic law) -- Iran
رده‌بندی کنگره	: BP۲۲۵۷
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۶۴
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۹۶۸۷۲۲۲

## تأثیر توبه در سقوط مجازات از دیدگاه فقهی حقوقی

عنوان: تأثیر توبه در سقوط مجازات از دیدگاه فقهی حقوقی

نویسنده: راحله قويدل كوركا

طراح جلد: گروه طراحی پلکان

ناشر: رویش بهاری

مدیر تولید: امیر حیدری

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۹۱۸۱۴ - ۵ - ۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شناسه: ۱۴۰۲

نوبت چاپ: اول تابستان ۱۴۰۳

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.



۱۲۰۰۰۰

تومان

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳	پیشگفتار.....
۵	مقدمه.....
<b>فصل اول: کلیات</b>	
۱۱	ارکان توبه.....
۱۲	حقیقت توبه.....
۱۸	جایگاه توبه در حقوق جزای اسلام.....
۲۰	سقوط مجازات.....
۲۳	استغفار.....
۲۴	تیین جرم و مجازات.....
۳۶	نتیجه گیری.....
<b>فصل دوم: مبانی کلی سقوط مجازات به واسطه توبه در فقه و حقوق</b>	
۴۰	عوامل سقوط مجازات.....
۴۹	توبه.....
۷۰	نتیجه گیری.....
<b>فصل سوم: بررسی تفصیلی و تطبیقی نقش توبه در جرائم</b>	
۷۳	تعریف زنا.....
۷۷	تعریف لواط.....
۸۱	تعریف مساحقه.....
۸۳	تعریف قیادت.....
۸۵	تعریف قذف.....
۹۰	تعریف ارتداد.....
۹۶	توبه از شرب مسکر.....
۹۹	تعریف سرقت.....
۱۰۳	تعریف محاربه.....
۱۰۹	منابع.....

### بیشگفتار

با تأمل در آیات و روایات و نیز سخنان فقهای اسلام استنباط می‌شود که توبه یکی از موارد سقوط مجازات شمرده شده است. فقهای امامیه، توبه را موجب سلب مسئولیت کیفری جرایم مربوط به حق‌الله می‌دانند. فقهای اهل سنت نیز توبه محارب را قبل از دستگیری موجب سقوط مجازات می‌دانند، اما در مورد سایر جرایم اختلاف نظر دارند. مشهور فقهای امامیه، توبه را موجب سقوط مجازات می‌دانند. شیخ طوسی در این مورد چنین می‌گوید: هر کس حدی از حدود الهی مانند شرب خمر یا زنا یا سرقت به جز حد محاربین، بر او واجب شود و قبل از قیام بینه، توبه کند، آن حد به واسطه توبه ساقط می‌شود. در مقابل ابن عباس، حسن، مجاهد، قتاده و ابن حزم بر این باورند که توبه نقشی در سقوط مجازات و کیفر دنیوی ندارد. اجماع فقهای اهل سنت، بر این است که توبه محارب قبل از دستگیری مسقط حد می‌باشد. ابن‌قدامه در بیان این اجماع اینگونه می‌نویسد: «ما در این مورد خلافتی بین اهل علم نمی‌دانیم و مالک و شافعی و اصحاب رای و ابو ثور نیز همین نظر را دارند.» بعضی از فقهای شافعی و نیز پیروان احمد بن حنبل معتقدند که توبه مطلقاً موجب سقوط مجازات می‌شود. دسته‌ای از فقهای اهل سنت که مالک و ابوحنیفه و بعضی از فقهای حنبلی و شافعی را شامل می‌شود، معتقدند که توبه در غیر مورد محاربه، مسقط حد نیست و در این مسئله تفاوتی بین قبل و بعد از دستگیری نمی‌باشد.

در قانون مجازات اسلامی نیز، توبه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و اگر با شرایط کامل انجام شود، یکی از معاذیر قانونی معافیت از مجازات شناخته شده است که در جرایم حق‌الله، قبل از ثبوت جرم به وسیله اقرار یا شهادت شهود، مسقط مجازات بوده، ولی در جرایمی که جنبه حق‌الناس دارند، موجب سقوط مجازات نیست؛ چون مرتکب، علاوه بر این که اوامر و نواهی الهی را نادیده گرفته، موجب ضرر و زیان برای دیگران شده و باید جبران کند. البته توبه، مجازات اخروی را ساقط می‌نماید، ولی باید دانست که وضع مجازات دنیوی، تابع مجازات اخروی نیست. از جمله نکات قابل توجه در باب توبه این است که اگر بزهکار بعد از اقرار توبه کند، قاضی می‌تواند از ولی امر برای او تقاضای عفو نماید یا مجازات را در حق وی اعمال کند. اما توبه بعد از اقامه بینه هیچ اثر حقوقی ندارد.

## مقدمه

هر چند خداوند کریم در جای جای قرآن دستوراتی درباره «خودسازی»، «تقوا»، «مراقبه و محاسبه» و «یاد خدا و دوری از شیطان»... برای رشد، کمال و رسیدن به سعادت ابدی و حیات جاودانه به مؤمنان داده است، اما از سوی دیگر، بخاطر زندگی انسان در دنیای ماده و مادیات و وجود دشمنان سرسختی چون شیاطین، نفس اماره، جهالت، شهوات و ... گاه پرده بر روی اندیشه انسان افکنده شده و در پی تبعیت از آن‌ها و ارتکاب گناه و معاصی زمینه سقوط و بدبختی او فراهم می‌شود.

این جاست که خداوند حکیم برای نجات انسان از ورطه تباهی، «باب توبه و استغفار» را به روی بندگان خویش گشوده و آن‌ها را به پشیمانی و طلب بخشش دعوت می‌کند تا راه برای بازگشت این انسان فریب خورده باز باشد و با امیدواری به لطف و رحمت بیکران الهی، بار دیگر برای تعالی روح خویش تلاش کند، و بر این اساس، در آیات و روایات فراوانی انسان را به توبه و استغفار فرا می‌خواند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَكْفُرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ...»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به سوی خدا توبه کنید؛ توبه‌ای خالص امید است پروردگار گناهان شما را بپوشاند...».

شارع مقدس به موضوع مجازات به قصد انتقام جویی نگاه نکرده و تنها آن را وسیله‌ای برای تربیت و درمان مجرم به شمار آورده است و ساقط کردن مجازات از مجرم را بر اجرای آن ارجح دانسته است که شاهد بر این ادعا آیات و روایاتی است که به این مساله اشعار دارند. قرآن کریم به عفو مرتکبان اعمال منافی عقّت، در صورت توبه، سفارش کرده است و می‌فرماید:

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ أَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ. (مانده: ۹).

اما آن کس که پس از ستم کردن توبه کند و عمل صالح انجام دهد، خداوند توبه او را می‌پذیرد. و از این مجازات معاف می‌شود؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم نیز در خصوص اسقاط مجازات می‌فرماید:

«ادعوا الحدود عن المسلمين ما استطعتم، فان كان له مخرج فخلوا سبيله؛ فان الامام ان يخطيء في العفو خير من ان يخطيء في العقوبة.» سنن ترمذی، ج ۲، ص ۴۳۸.

تا جایی که می‌توانید حدود را از مسلمانان دفع کنید (و اگر راهی برای مجازات نکردن یافتید، مجازات نکنید) چه آن که اگر امام در عفو و بخشش اشتباه کند (و کسانی را عفو کند که مستحق نبوده‌اند) بهتر از آن است که در مجازات اشتباه نماید (و کسانی را به ناحق مجازات کند).

حال باید دید نتیجه توبه قبل و بعد از اثبات جرم چه خواهد بود و آیا عارض شدن شبهه توبه موجب سقوط مجازات می‌گردد؛ یعنی احراز قطعی توبه مورد نیاز است یا خیر؟ آیا همین مقدار که شبهه توبه وجود داشته باشد در اسقاط مجازات کافی است در حالی که قاعدتا می‌توان در برابر مجرم به استصحاب عدم توبه استناد کرد، یا باید به قاعده درء عمل کرد مگر آن که عدم توبه وی احراز گردد. بر اساس آیات و روایت هرگاه شخصی مرتکب یکی از جرایم حدی شود و پیش از ثبوت جرم توبه کند، اجرای مجازات حدی بر وی منتفی است یا خیر؟ کسی که مرتکب جرمی شد و آنگاه ادعای توبه نمود، این امر را از چه راهی می‌تواند اثبات کند و آیا ادعای توبه برای پذیرش آن کافی است یا خیر؟

از آنجایی که توبه از اموری است که تنها از طرف تائب معلوم می‌شود و از باب «مالایعلم الا من قیلَه» است، اگر متهمی ادعای توبه نماید در حالی که آثار ظاهری توبه از جمله جبران عمل فاسد گذشته نمایان باشد و در عین حال حاکم در توبه کردن او تردید داشته باشد، در این صورت، توبه او پذیرفته می‌شود یا خیر؟ در صورت یقین به کذب وی چطور؟

باید دید فقها چه نظری دارند: فقهای امامیه، توبه را موجب سلب مسئولیت کیفری جرایم مربوط به حوائج می‌دانند. فقهای اهل سنت نیز توبه محارب را قبل از دستگیری موجب سقوط مجازات می‌دانند، اما در مورد سایر جرایم اختلاف نظر دارند. مشهور، توبه را موجب سقوط مجازات می‌دانند. شیخ طوسی در این مورد چنین می‌گوید: هر کس حدی از حدود الهی مانند شرب خمر یا زنا یا سرقت به جز حد محاربین، بر او واجب شود و قبل از هضم بینه، توبه کند، آن حد به واسطه توبه ساقط می‌شود. در مقابل ابن عباس، حسن، مجاهد، قتاده و ابن حزم بر این باورند که توبه نقشی در سقوط مجازات و کیفر دنیوی ندارد. اجماع فقهای اهل سنت، بر این است که توبه محارب قبل از دستگیری مسقط حد می‌باشد. بعضی از فقهای شافعی و نیز پیروان احمد بن حنبل معتقدند که توبه مطلقا موجب سقوط مجازات می‌شود. دسته‌ای از فقهای اهل سنت که مالک و ابوحنیفه و بعضی از فقهای حنبلی و شافعی را شامل می‌شود، معتقدند که توبه در غیر مورد محاربه، مسقط حد نیست و در این مسئله تفاوتی بین قبل و بعد از دستگیری نمی‌باشد. طبعا عدم اجرای مجازات نقش بسزایی در درمان مجرم و بستری برای حیات دوباره او می‌شود چرا که مجرم به لحاظ موقعیت و ناهنجاریهای اجتماعی ممکن است عملا مرتکب جرایمی شود که پس از آن از کرده خود پشیمان و توبه نماید. و لذا تأثیر آن در سلامت جامعه قابل توجه خواهد بود.

مشهور فقهاء توبه بعد از اقرار به جرم را موجب تخیر امام در عفو یا اجرای مجازات مجرم می‌دانند. مشهور فقهای امامیه معتقدند که اگر جرم با شهادت شهود ثابت شود و مرتکب، پس از آن توبه نماید، امام اختیار عفو او (مجرم) را ندارد و باید حد الهی را بر وی جاری سازد.

ادعای شخص تائب پذیرفته می‌شود؛ اگر چه حاکم در توبه کردن او تردید داشته باشد؛ زیرا از تائب نمی‌توان طلب دلیل در جهت رفع تردید کرد؛ مگر اینکه قاضی یقین به کذب او داشته باشد، که در این صورت (احراز عدم توبه)، نمی‌تواند به توبه اش ترتیب اثر دهد.

توبه وسیله‌ای است برای تربیت و درمان مجرم و بستری است برای حیات دوباره او در جامعه. توبه در صورتی مسقط مجازات است که قبل از اقرار، اثبات جرم و شهادت شهود باشد و همینطور شخص تائب باید ابراز پشیمانی کرده و در صدد جبران جرم ارتكابی برآید. توبه در جرایمی که جنبه حق‌الناس دارند، موجب سقوط مجازات نیست؛ چون مرتکب، علاوه بر این که اوامر و نواهی الهی را نادیده گرفته، موجب ضرر و زیان مالی و جسمی یا آبرویی برای دیگران شده و باید جبران کند.